





Study of the Verbs "Listening" and "Hearing" in Persian Adopting the Principles of FrameNet

- Fateme Nayablui** *  Ph.D. of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
- S. Mostafa Assi**  Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran
- Azita Afrashi**  Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran
- Masood Ghayoomi**  Assistant Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Abstract

Vocabulary differences between languages indicate differences in the cultures associated with each language. Polysemous words in any culture are manifestations of such lexical differences in a language. Theory of Frame Semantics is one of the approaches in Cognitive Semantics that has looked at the issue of polysemy from the perspective of semantic frames. The evolved form of this theory has been realized in the semantic network of FrameNet. Semantic frames are semantic packages, and each frame consists of semantic elements. Semantic relations in this network are presented as relations between semantic frames called Frame to frame relations. In this research, an attempt is made to provide a semantic and corpus-based analysis of the polysemy of the verbs "hearing" and "listening" in Persian based on the principles of English FrameNet. Accordingly, the keywords were searched in the Persian Linguistic database (PLDB), and seven semantic frames of "Perception-Active", "Perception_experience", "Seeking", "Awareness", "Compliance", "Attention" and "Grasp" were extracted. Another important point is the existence of "Use", "Inheritance" and "see also" Frame-to-frame relations among These frames. The results of the studies indicated that the current approach is an effective approach to the polysemy of verbs "hearing" and "listening" in Persian and can provide a picture of Persian language culture in these areas.


Keywords: Cognitive Semantics, Corpus, English FrameNet, hearing, listening, Theory of Frame Semantics.


- The present article is taken from the doctoral thesis of the Linguistics Department of the Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies.


* Corresponding Author: fatemenayebloey@gmail.com


How to Cite: Nayablui, F., Assi, S. M., Afrashi, A., Ghayoomi, M. (2021). Study of the Verbs "Listening" and "Hearing" in Persian Adopting the Principles of FrameNet. *Language Science*, 8 (14), 195-223. Doi: 10.22054/ls.2021.57628.1424

بررسی حوزه مفهومی فعل «شنیدن» در زبان فارسی در چارچوب نظریه معناسازی قالب و اتخاذ اصول شبکه فریم‌نت

فاطمه نایب‌لوئی*  دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

سید مصطفی عاصی  استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

آریتا افراشی  دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

مسعود قیومی  استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

چکیده

تمایزات واژگانی میان زبان‌ها، بیانگر تفاوت در فرهنگ‌های مرتبط با هر زبان است. واژه‌های چندمعنا در هر فرهنگ، می‌تواند نمودی از این قبیل تمایزات واژگانی در یک زبان باشد. در معناسازی شناختی، رویکردهای مختلفی به پدیده چندمعنایی در زبان وجود دارد؛ نظریه معناسازی قالبی یکی از این رویکردها در معناسازی شناختی است که به مسئله چندمعنایی، از منظر قالب‌های معنایی نگریسته است. صورت تکامل‌یافته این نظریه، در شبکه معنایی فریم‌نت، تحقق پیدا کرده است. قالب‌های معنایی بسته‌هایی معنایی هستند و هر کدام از قالب‌ها از برخی مؤلفه‌های معنایی تشکیل شده‌اند. روابط معنایی در این شبکه، به صورت روابط میان‌قالبی ارائه شده است. در این مقاله، سعی بر آن است تا تحلیلی معنایی و پیکره‌بنیاد از چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی، بر مبنای اصول شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، ارائه شود. بر این اساس، دو کلیدواژه مذکور، در پیکره‌های موجود در پایگاه داده زبان فارسی، بررسی شدند و از میان مفاهیم موجود در جملات شاهد، هفت قالب معنایی «حس فعال»، «ادراک حسی»، «جستجو»، «آگاهی»، «فهمیدن»، «اطاعت» و «توجه» و سه رابطه میان‌قالبی «توارث» میان قالب والد «ادراک» و فرزند «حس فعال» و قالب والد «ادراک» و فرزند «ادراک حسی» و قالب والد «آگاهی» و فرزند «فهمیدن»، یک رابطه میان‌قالبی «کاربرد» میان قالب والد «توجه» و فرزند «حس فعال» و یک رابطه میان‌قالبی «بیشتر» میان قالب‌های «حس فعال» و «ادراک حسی» استخراج شد. نتایج تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که رویکرد حاضر به پدیده چندمعنایی، رویکردی کارآمد برای بررسی چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی است.

کلیدواژه‌ها: افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن»، پیکره، معناسازی شناختی، شبکه معنایی فریم‌نت، نظریه معناسازی قالبی.

-مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است n

* نویسنده مسئول: fatemenayebloey@gmail.com

۱. مقدمه

در زبان‌شناسی شناختی، براساس تجربیات انسان از جهان پیرامون و نحوه درک و مفهوم‌سازی تجربیات، زبان تحلیل می‌شود. معناشناسی شناختی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی است و نظریه معناشناسی قالبی^۱ (Fillmore, 1982) یکی از نظریه‌های مهم معناشناسی شناختی محسوب می‌شود که براساس معنای دایره‌المعارفی شکل گرفته است. فیلمور (۱۹۸۲: ۱۱۱)، برای معرفی دانش پیش‌زمینه‌ای مفاهیم، اصطلاح قالب معنایی را معرفی کرده و معتقد است که یک قالب معنایی نظامی از مفاهیم است و اجزای مرتبط به هم در این نظام به گونه‌ای است که برای درک هر کدام از آنها، ساختار کلی آن نظام باید بررسی شود. در این نظریه، هر واژه تداعی‌گر یک قالب^۲ خاص در ذهن است. هر قالب معنایی بازنمودی طرحواره‌ای از موقعیت‌ها و متشکل از نقش‌های مفهومی است. هر کدام از این نقش‌ها، یک جزء قالب^۳ نام دارد. اجزای قالب در این نظریه، همان نقش‌های معنایی هستند که در نظریه دستور حالت (Fillmore, 1968) معرفی شدند ولی در نظریه معناشناسی قالبی، این نقش‌ها گسترده‌تر شدند. واژه‌هایی که تداعی‌کننده یک قالب در ذهن هستند، واحدهای واژگانی^۴ نامیده می‌شوند. تفاوت‌های معنایی موجود در قالب‌ها، به صورت واحدهای واژگانی متعدد، بازنمود می‌یابند؛ بنابراین، در این نظریه، توصیف یک واحد واژگانی عبارت است از مشخص کردن قالب‌های نهفته در پس‌زمینه معنایی آن و روش‌هایی که در آن، اجزای قالب حول یک واژه ساماندهی شده‌اند (Johnson et al., 2002; Fillmore et al., 2002).

این نظریه در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی (Baker et al., 1998; Ruppenhofer et al., 2010) تکامل یافت. بسیاری از واژه‌ها بیش از یک مفهوم دارند و به عبارتی، چندمعنا هستند و یک ضلع ایجاد ابهام واژگانی را شکل می‌دهند. در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، که سامانه‌ای رایانشی است، چندمعنایی‌ها در زبان از طریق قالب‌های معنایی و روابط میان‌قالبی بررسی می‌شوند و مفاهیم زبانی در آن، به صورت قالب‌هایی مرتبط به هم، در یک شبکه معنایی در هم تنیده‌اند. زبان فارسی مملو از رابطه‌های

-
1. frame semantics
 2. frame
 3. frame element
 4. Lexical Units (LUs)

چندمعنایی است. در یک واژه چندمعنا، قالب‌های مختلفی نهفته است و مفاهیم مختلف آن، از طریق رابطه میان قالب‌های مرتبط با آن واژه، تبیین می‌شود. هدف این شبکه جمع‌آوری ظرفیت‌های نحوی و معنایی مفاهیم هر واژه از طریق نشانه‌گذاری رایانشی جمالات شاهد است (Ruppenhofer et al., 2016: 7).

واژه‌های «شنیدن» و «گوش‌دادن» تقریباً در هر زبانی موجود است و با توجه به پیکره‌های زبانی، می‌توان اطلاعات دقیق‌تری از کاربرد آن در تمام زبان‌ها ارائه کرد؛ لذا مفهوم آن در همه زبان‌ها به یک معنا نیست و در برخی مؤلفه‌های معنایی، متفاوت هستند. این تفاوت در مؤلفه منجر به تفاوت معنایی زبان‌ها در یک حوزه معنایی می‌شود. در این مقاله، با هدف ارائه تحلیلی پیکره‌بنیاد از چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی براساس اصول شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، پرسشی مطرح شد که چگونه می‌توان افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی را براساس اصول شبکه فریم‌نت، تحلیل کرد.

۲. پیشینه پژوهش

شبکه فریم‌نت در بسیاری از زبان‌ها، مانند زبان آلمانی (Boas, 2002)، اسپانیولی (Ohara et al., 2003) با ۱۰۰۰ واحد واژگانی، ژاپنی (Subirats & Petruck, 2003) با ۳۲۳ قالب معنایی، چینی (You et al., 2007) در حوزه‌های «گردشگری» و «حقوق» با ۳۹۴۷ واحد واژگانی و بیش از ۱۸۰۰۰ جمله، پرتغالی برزیلی (Salomão, 2009) با ۳۲ قالب و ۳۸ واحد واژگانی و پیکره‌ای حدود ۱۰۴ میلیون واژه، فرانسوی (Schmidt, 2009) در حوزه‌های «ارتباطات فعلی»، «تعاملات تجاری»، «حالات شناختی» و «سببیت» با ۱۰۵ قالب، ۱۱۰۰ واحد واژگانی، سوئدی (Borin et al., 2010) با ۲۳۰۰ واحد واژگانی در ۵۱ قالب، راه‌اندازی شده‌اند. البته شبکه فریم‌نت در زبان‌های کره‌ای، عربی، چینی، عبری و عربی نیز راه‌اندازی شده است لذا همگی در مراحل اولیه هستند. در زبان فارسی نیز تحقیقات بسیاری براساس اطلاعات فریم‌نت در زبان انگلیسی انجام شده است. قیومی (۲۰۰۹) به منظور خودکار کردن برچسب‌زنی نقش‌های معنایی در شبکه فریم‌نت، مراحل تعیین قالب‌های معنایی و تعیین نقش‌های معنایی را معرفی کرده است. برای هدف

مدنظر، وی روش یادگیری فعال^۱ را معرفی کرد. نایب‌لویی (۱۳۹۳) و نایب‌لویی و همکاران (۱۳۹۴)، ضمن طراحی شبکه فریم‌نت^۲ در زبان فارسی، مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد در حوزه‌های معنایی «شادی» و «علاقه» در مقوله دستوری «صفت» انجام داده‌اند و به ۶۵ قالب معنایی و ۳۴۰ واحد واژگانی دست یافتند. صفری (۱۳۹۲) به بررسی ساخت‌های موضوعی فعل‌های مرکب پرداخته است. موسوی و همکاران (۱۳۹۴) واژه «دیدن» را بررسی کرده‌اند و قالب «ادراکی-دیداری» را عامل ایجاد چندمعنایی فعل «دیدن» می‌دانند. حاجی‌قاسمی و شاملی (۱۳۹۵)، با بررسی فعل «دیدن»، به یک قالب معنایی «دیداری-ادراکی» به‌عنوان قالب مرکزی و قالب‌های «باورداشتن»، «شناختن»، «دانستن»، «مشاهده کردن» و «درک کردن» دست یافته‌اند. موسوی (۱۳۹۶الف) شبکه هم‌نت^۳ را به‌منظور تبیین ماهیت باهم‌آیی واژگانی در زبان فارسی براساس اصول شبکه فریم‌نت راه‌اندازی کرده و به بررسی واژه «دست» در زبان فارسی پرداخته است. موسوی (۱۳۹۶ب) به بررسی فعل‌های «دیدن» و «شنیدن» و موسوی (۱۳۹۶پ) به بررسی قالب «ارائه» در زبان انگلیسی پرداخته است. دلارامی‌فر و همکاران (۱۳۹۶) به روابط معنایی فعل «گرفتن» در سه مفهوم «دریافت کردن»، «خریدن» و «درک کردن» پرداخته‌اند. رحمتی‌نژاد و صفری (۲۰۱۷) واژه‌های حوزه «گردشگری» را بررسی کرده‌اند. اجدادی و رضوی (۱۳۹۷) ۱۴ قالب معنایی را در حوزه مفهومی اندام‌واژه‌های بیرونی بررسی کرده‌اند. موسوی و ذبیحی (۱۳۹۸) به بررسی قالب «سرق» در زبان فارسی پرداخته است. رحمتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی فعل «گفتن» به ۴۴ قالب معنایی دست یافته است. موسوی و عموزاده (۱۳۹۸) نیز به بررسی باهم‌آیی با واژه «دست» پرداخته‌اند.

۳. روش

تحقیق حاضر، پژوهشی تحلیلی-توصیفی است. در ابتدا، چندمعنایی‌های حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی در فرهنگ زبان فارسی معین، لغتنامه دهخدا، فرهنگ عمید و فرهنگ زبان‌آموز فارسی (عاصی، ۱۳۹۸) بررسی می‌شوند و مفاهیم مختلف این حوزه‌ها استخراج می‌شوند. پس از آن، جملات شاهد، بر مبنای کلیدواژه‌های

1. active learning
2. FrameNet.ir
3. ColloNet

مذکور در آثار شازده احتجاب، شوهر آهو خانم، غریبه‌ها و پسرک بومی، لولی سرمست، الجزایر و مردان مهاجر، این سه زن، مرقد آقا، سگ و زمستان بلند و قصه‌های بهرنگ، از پیکره دادگان زبان فارسی (عاصی، ۱۳۸۴) استخراج می‌شوند. مفاهیم مستخرج از فرهنگ‌ها در جملات شاهد بررسی می‌شود. معادل انگلیسی مفاهیم مستخرج از فرهنگ‌ها و جملات شاهد در شبکه فریم‌نت انگلیسی جستجو می‌شود و قالب‌های معنایی مرتبط بررسی می‌شوند. قالب‌های معنایی در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، تا حد قابل توجهی، مختص زبان خاصی نیست (Ruppenhofer et al., 2016:122)؛ بنابراین، قالب‌های استخراج شده به فارسی ترجمه می‌شود. مفاهیم مستخرج از فرهنگ‌های فارسی و شواهد زبانی به قالب‌های معنایی ترجمه شده مرتبط می‌شوند. واحد واژگانی هدف به مثابه محمول^۱ انتخاب می‌شود و موضوع‌های این واژه در جمله پیدا می‌شود. در این مرحله، موضوع‌ها در دو مرحله نحوی و معنایی نشانه گذاری می‌شوند. برای نشانه گذاری نحوی، موضوع‌ها بر حسب نوع عبارت (گروه اسمی، گروه فعلی، و...) می‌گیرند. موضوع‌های معنایی واحد واژگانی هدف، در شبکه فریم‌نت، همان اجزای قالب هستند؛ بنابراین، براساس مفاهیم موضوع‌ها یا همان اجزای قالب در جملات، قالب‌های معنایی نهفته در معنای واژه‌های هدف تعیین می‌شود و سپس، نقش‌های معنایی به اجزای قالب افزوده می‌شود. براساس مؤلفه‌های معنایی در جملات فارسی، برخی از اجزای قالب به جمله افزوده یا از جمله حذف می‌شوند. بدین ترتیب، براساس اجزای قالب به دست آمده، قالب‌های زبان فارسی شکل می‌گیرند. نکته دیگر در قالب‌ها اجزای قالب است که هر کدام با یک رنگ خاص نشان دار می‌شوند؛ به بیانی دیگر، یک جزء قالب در تمام متون نشانه گذاری شده یک رنگ واحد دارد. سپس، تمام واژه‌های هدفی که از پیکره‌ها استخراج شده‌اند، به عنوان واحدهای واژگانی، به قالب‌ها افزوده می‌شوند. در این مقاله، واحدهای واژگانی از سه طریق استخراج می‌شوند: روش اول، استخراج واژه‌های مرتبط با دو حوزه مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» از فرهنگ طیفی فراروی (فراروی، ۱۳۷۸) است؛ روش دوم استخراج واژه‌ها از جملات شاهد مستخرج از پیکره داده زبان فارسی است و روش سوم این است که در هر جمله شاهد، واحدهای واژگانی مترادف جایگزین می‌شوند و اگر همچنان واحد واژگانی جایگزین شده همان قالب معنایی را در ذهن تداعی کند، در قالب وارد می‌شود.

در گام بعدی، مدخل‌های واژگانی شکل می‌گیرند. هر مدخل واژگانی ترکیبی از یک واحد واژگانی و قالب معنایی مرتبط با آن واحد واژگانی است. در هر کدام از این مدخل‌ها، نوع معنایی، وضعیت‌های نحوی و الگوهای ظرفیتی هر مدخل بررسی می‌شود. در نهایت، مفاهیم مختلف حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» از طریق ارتباط میان قالب‌ها نمایش داده می‌شوند و قالب‌های معنایی در زبان فارسی از طریق روابط میان‌قالبی به یکدیگر مرتبط می‌شوند.

۴. یافته‌ها

پس از اینکه افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در فرهنگ‌های واژه معین، دهخدا، عمید و فرهنگ زبان آموز فارسی مورد بررسی قرار گرفت، ۵ مفهوم استخراج شد که عبارت‌اند از: (۱) مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است؛ (۲) مفاهیمی که به مطلع شدن از یک خبر مربوط می‌شود؛ (۳) مفاهیمی که مربوط به اطاعت و پیروی است؛ (۴) مفاهیمی که مرتبط به حس بویایی است؛ (۵) مفاهیمی که به معنای فهمیدن است. نگارندگان معتقدند که معنای دوم و پنجم، یک مفهوم واحد هستند و هر دو را می‌توان در مفهوم فهمیدن ادغام کرد. لازم به ذکر است که تنها اولین مفهوم فعل «شنیدن» در تمام فرهنگ‌ها وارد شده است. پس از بررسی شواهد استخراج شده از پیکره داده زبان فارسی، معنای پنجم «توجه کردن» نیز به معنای پیشین افزوده شد. از آنجایی که واژه «شنیدن» عملی ناخودآگاه را در ذهن تداعی می‌کند و واژه «گوش دادن» تداعی کننده عملی است که با توجه شنونده همراه است، معنای اول، براساس توجه شنونده، به دو معنای «دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده» و «دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده» تقسیم می‌شود؛ ولی از آنجایی که این دو معنا از یک جنس هستند، در یک گروه جای می‌گیرند. هر کدام از مفاهیم به یک یا بیش از یک قالب معنایی مرتبط شدند؛ بنابراین، مفهوم اول یعنی «دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه کامل شنونده» قالب «حس فعال»، مفهوم «دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده» قالب «ادراک حسی»، مفهوم فهمیدن قالب «آگاهی»، «فهمیدن» و «جستجو»، مفهوم «اطاعت و پیروی» قالب «اطاعت»، مفهوم «حس بویایی» قالب «ادراک حسی» و مفهوم «توجه کردن»، قالب «توجه» را به ذهن متبادر می‌کند. همان‌طور که در بخش‌های زیر مشخص است، شبکه فریم‌نت، در زبان فارسی، به سه بخش قالب‌های معنایی، متون نشانه‌گذاری شده و مدخل‌های واژگانی تقسیم می‌شود.

۴-۱. قالب‌های معنایی

همان‌طور که در بخش پیش گفته شد، واژه‌های چندمعنا، به قالب‌های معنایی مختلفی ارجاع پیدا می‌کند؛ به بیانی دیگر، یک سازه، در دو قالب متفاوت، به دو صورت متفاوت نشانه‌گذاری می‌شود. به‌عنوان نمونه، واژه «نصرت‌الدوله»، در دو جمله زیر، در دو قالب «آگاهی» و «ادراک حسی»، به دو صورت زیر نشانه‌گذاری می‌شوند. فعل «شنیدن» در جمله اول دربردارنده مفهوم دوم است؛ یعنی مفاهیمی که به مطلع شدن از یک خبر مربوط می‌شود؛ جمله دوم نیز تداعی گر مفهوم اول است؛ یعنی مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است. مفهوم دوم قالب معنایی «آگاهی» و مفهوم اول قالب معنایی «ادراک حسی» را به ذهن متبادر می‌کنند.

۱) نصرت‌الدوله (گروه اسمی) **حسگر** فقط **شنید** (سازه تهی غیرارجاعی INI) **حسگر** که پدرش (شناسه متصل) **حسگر**، بر سر سالار لشکر فریاد زد «حیف از آن‌همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) **محتوا**. (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب آگاهی)

۲) نصرت‌الدوله (گروه اسمی) **تجربه گر منفعل** فقط **شنید** (سازه تهی غیرارجاعی INI) **تجربه گر منفعل** که پدرش (شناسه متصل) **تجربه گر منفعل**، بر سر سالار لشکر فریاد زد حیف از آن‌همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) **پدیده**. (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)

مجموعه نقش‌های فیلمور در شبکه فریم‌نت به دو دسته اجزای قالب اصلی^۱ و فرعی^۲ تقسیم می‌شوند:

اجزای قالب اصلی: این اجزا با توجه به معنا و ظرفیت افعال مشخص می‌شوند و بازنمود جزئی از قالب هستند که به لحاظ مفهومی، ضروری محسوب می‌شوند و معنای اصلی قالب را تشکیل می‌دهند.

اجزای قالب فرعی: اجزای قالبی که رویدادهای مستقل و مجزایی را نسبت به رویداد اصلی معرفی نمی‌کنند، حالت قید دارند و به صورت اختیاری و برای ارائه توضیحات بیشتر با هر

1. core frame element
2. non-core frame element

فعلی استفاده می‌شوند. اجزایی مانند زمان، مکان، روش، ابزار، درجه و غیره از این دست به شمار می‌روند. در مقاله حاضر، به تبعیت از اصول نشانه‌گذاری در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، اجزای قالب با رنگ‌های مختلف نشانه‌گذاری می‌شوند. در قسمت زیر ۷ قالب معنایی در پس‌زمینه معنایی ۵ مفهوم استخراج شده در افعال «شنیدن» و «گوش دادن» ارائه می‌شود:

حس فعال: این قالب در بردارنده واژه‌های حسی است؛ هنگامی که فردی به نام حسگر^۱ به یک پدیده^۲ توجه می‌کند، یکی از حواس پنج‌گانه را تجربه می‌کند و تجربه‌ای ادراکی دارد. اجزای قالب اصلی در این قالب حسگر، پدیده، عضو بدن، جهت و اجزای قالب فرعی، وضعیت توصیفی، مدت، مورد انتظار، زمینه، موقعیت قهرمان، روش، ابزار، رسانه دید، مکان، هدف، وضعیت و زمان هستند.

ادراک حسی: این قالب در بردارنده واحدهایی واژگانی است که در آنها، فرد لزوماً با توجه کامل حواس را تجربه نکرده است. به همین دلیل، نقش ادراک‌کننده تجربه‌گر منفعل^۳ نامیده می‌شود. تفاوت این قالب با قالب حس فعال در واحدهای واژگانی آنهاست. در قالب حس فعال، واحد واژگانی «گوش کردن» و در قالب ادراک حسی واحد واژگانی «شنیدن» وجود دارد. اجزای قالب اصلی در این قالب، عضو بدن، تجربه‌گر منفعل، پدیده و اجزای قالب فرعی، شرایط، بافت مقابله‌ای، درجه، وضعیت توصیفی، جهت، مدت، بسامد، زمینه، مکان شخصیت اصلی، روش، ابزار، رسانه دید، مکان، وضعیت و زمان هستند.

آگاهی: این قالب در بردارنده اجزای قالب حسگر و محتوا^۴ است. اجزای قالب اصلی در این قالب را حسگر و محتوا تشکیل می‌دهند و اجزای قالب فرعی نیز عبارت‌اند از درجه، شاهد، توضیح، روش، الگو، نقش و زمان.

فهمیدن: جزء قالب حسگر اطلاعاتی پیرامون پدیده دارد و می‌تواند درباره رفتار یا وقوع پدیده پیش‌بینی کند. اجزای قالب اصلی حسگر و پدیده هستند و اجزای قالب فرعی را زمان، شاهد، روش، نقطه ارجاع و تکمیل تشکیل می‌دهند.

1. perceiver_ agentive
2. phenomenon
3. perceiver_ passive
4. content

اطاعت: در این قالب، قهرمان^۱ یا از اصول^۲ پیروی می کند یا آن را نقض می کند. اجزای قالب اصلی در این قالب کنش، اصول، قهرمان و وضعیت امورند و اجزای قالب فرعی را درجه، وضعیت توصیفی، توضیح، قاضی، روش، ابزار، پیامد و زمان تشکیل می دهند. جستجو: در این قالب، تشخیصگر^۳ سعی دارد جستجو شده^۴ را پیدا کند. شکست یا موفقیت این تلاش ممکن است با جزء قالب پیامد^۵ نشان داده شود. اجزای قالب اصلی در این قالب تشخیصگر را جستجو شده و اجزای قالب فرعی را درجه، زمینه، روش، ابزار، پیامد، مکان، هدف و زمان تشکیل می دهند.

توجه: در این قالب، درک کننده^۶ به پیکر^۷ توجه دارد. اجزای قالب اصلی در این قالب عبارتند از درک کننده، پیکر و بیانگر. اجزای قالب فرعی را نیز شرایط، درجه، زمینه و روش تشکیل می دهند.

برای جلوگیری از اطاله کلام، در اینجا تنها یک نمونه قالب آگاهی ارائه می شود:

قالب آگاهی: این قالب دربردارنده اجزای قالب حسگر و محتواست.
اجزای قالب اصلی: **حسگر**: حسگر فردی است که آگاهی او از پدیده مورد توجه است.

(۳) نصرت الدوله (گروه اسمی) **حسگر** فقط **شنید** (سازه تهي غير ارجاعي INI) **حسگر** که پدرش (شناسه متصل) **حسگر** بر سر سالار لشکر فریاد زد حیف از آن همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) **محتوا**. (این سه زن؛ مسعود بهنود)

محتوا: این جزء قالب پدیده‌ای است که در مرکز توجه حسگر است. محتوا در جملات ممکن است به صورت مفعول مستقیم یا گروه اسمی حرف اضافه‌ای به کار برود.

(۴) (سازه تهي غير ارجاعي INI) **حسگر** دومین روز اسفند (گروه اسمی) **زمان** خبر حرکت قزاق‌ها (گروه اسمی) **محتوا** را **شنید** (سازه تهي ارجاعي DNI) **حسگر** و به فرمان فرما

-
1. protagonist
 2. norm
 3. cognizer_agent
 4. sought_entity
 5. outcome
 6. perceiver
 7. figure

گفت روز تاریخی نزدیک است، در آن یک هفته که به تهران آمده بود، دمی نخواهید بود. (این سه زن؛ مسعود بهنود)

اجزای قالب فرعی: **درجه**: این جزء قالب بیانگر درجه عمل است.
شاهد: منبع آگاهی یا دانش ممکن است به صورت گروه حرف اضافه‌ای نمایان شود.

۵) سردار معظم (گروه اسمی) **حسگر** روز اول اسفند (گروه اسمی) **زمان** از مدرس (گروه حرف اضافه‌ای) **شاهد شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** که می‌گفت کسی به این بچه شازده اعتمادی ندارد، حتی اربابش (گروه فعلی) **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

توضیح: دلیل چرایی یا چگونگی آگاهی حسگر از محتوا در این جزء بیان می‌شود.
روش: این جزء قالب روش آگاه‌شدن حسگر از مسئله‌ای را بیان می‌کند.
الگو: این جزء قالب الگو و اساس آگاهی **حسگر** را مشخص می‌کند.
نقش: این جزء قالب نمایانگر مقوله‌ای است که در آن، یک جزء از **محتوا** قابل درک است.
زمان: این جزء قالب بیانگر مدت‌زمان آگاهی یافتن حسگر از محتواست.

۶) (سازه تھی غیرارجاعی INI) **حسگر** به یاد روزی افتاد که در بالاخانه احمد قاسمی در ۲۸ مرداد (گروه حرف اضافه‌ای) **زمان** (صدای رادیو) (سازه تھی INI) **محتوا** رادیو **شاهد** را می‌شنید (شناسه تھی DNI) **حسگر** که خبر از پیروزی کودتا می‌داد (گروه فعلی). **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود).

واحد‌های واژگانی: آگاهی‌یافتن، شنیدن، متوجه‌شدن، اخطار دادن، آگاه‌شدن، خبر دادن، اطلاع‌دادن، گزارش کردن، خاطر نشان کردن، تذکر دادن، هشدار دادن و ...

۲-۴. متون نشانه‌گذاری شده

نشانه‌گذاری‌ها در شبکه فریم‌نت به دو صورت نشانه‌گذاری جمله‌ای^۱ و نشانه‌گذاری کامل متن^۲ انجام می‌شود. در روش اول، تنها یک واحد واژگانی در جمله واژه هدف محسوب می‌شود و سازه‌های دیگر جمله، براساس ارتباط معنایی با واژه هدف، نشان‌دار می‌شوند.

1. sentence annotation
2. full text annotation

در روش دوم، کل سازه‌های جمله نشانه گذاری می‌شوند. در تحقیق حاضر، نشانه گذاری‌ها جمله‌ای هستند و به صورت دستی انجام می‌شوند.

در این بررسی، متون نشانه گذاری شده از سه لایه واژه هدف^۱، نوع عبارت^۲ و جزء قالب تشکیل می‌شوند. در لایه اول، واژه‌های هدف «شنیدن» و «گوش دادن» قرار دارند. در لایه دوم، انواع عبارت اعم از گروه اسمی، گروه صفتی، گروه قیدی و گروه فعلی جزء قالب وارد می‌شود و در لایه سوم، اجزای قالب مرتبط با واژه هدف درج می‌شود.

اجزای جمله به صورت دستور ساخت سازه‌ای و نه به صورت دستور وابسته‌ای نشانه گذاری می‌شوند؛ به بیانی دیگر، واژه‌هایی که به صورت مستقیم با واژه هدف مرتبط نیستند نیز نشانه گذاری می‌شوند. به عنوان مثال، در جمله «علی حرف مریم را شنید»، جزء قالب «حرف» یک اسم است و با مضاف «مریم» و رای نشانه مفعول همراه است؛ در روش نشانه گذاری ساخت سازه‌ای، برچسب مورد نظر شامل آن اسم و واژه‌های همراهش نیز می‌شود؛ بنابراین، اجزای جمله به صورت گروه نشانه گذاری می‌شوند و کل سازه «حرف مریم را» یک برچسب معنایی می‌گیرد.

گاهی برخی از سازه‌ها در جمله حضور واژگانی و معنایی دارند و گاهی برخی از موارد، مانند شناسه‌ها و ضمیرهای محذوف و سازه‌های تهی و مواردی دیگر، حضور معنایی دارند؛ لذا حضور واژگانی ندارند. در این شبکه، اجزای معنا در اولویت‌اند و عدم حضورشان نیز به گونه‌ای نشان‌دار می‌شود. سازه‌های محذوف با عنوان «سازه تهی»^۳ نشانه گذاری می‌شوند. در شبکه فریم‌نت (Ruppenhofer et al., 2016: 12)، سه نوع سازه تهی را برای نشانه گذاری متون در نظر گرفته‌اند:

سازه تهی ساختاری^۴: در این نوع سازه تهی، عمل حذف سازه براساس یک ساختار دستوری دیگر اتفاق می‌افتد. مثلاً در افعال امری، فاعل به لحاظ دستوری از جمله حذف می‌شود، ولی به لحاظ معنایی قابل درک است. این نوع حذف، در دستور زایشی-گشتاری، حذف «ضمیر ناملفوظ»^۵ محسوب می‌شود. در جمله زیر، فاعل فعل امری «شنیدن»، براساس

-
1. target layer
 2. Phrase Type Layer (PT)
 3. null instantiation
 4. Constructural Null Instantiation (CNI)
 5. Big PRO

ساختار دستوری امری‌ساز، از جمله حذف شده است و سازهٔ محذوف برچسب «سازهٔ تهی ساختاری CNI» می‌گیرد.

(۷) حالا (سازهٔ تهی ساختاری CNI) **تجربه‌گر منفعل** **بشنو** (سازهٔ تهی ارجاعی DNI) **تجربه‌گر منفعل** (سازهٔ تهی غیرارجاعی INI) **پدیده** از کوراوغلو (گروه حرف اضافه‌ای). رسانهٔ دید (فصله‌های بهرنگک؛ بهرنگک) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)

سازهٔ تهی مشخص یا ارجاعی^۱: یک سازه هنگامی می‌تواند برچسب سازهٔ تهی ارجاعی را دریافت کند که به لحاظ دستوری محذوف باشد، اما به لحاظ معنایی، حضور داشته باشد و سازهٔ محذوف، از طریق بافت گفتمانی یا زبانی، قابل‌بازیابی باشد؛ در زبان فارسی، در صورتی که یک جزء قالب به صورت شناسه در یک فعل، به لحاظ معنایی، حضور داشته باشد، ولی به لحاظ دستوری ظاهر نشود و دارای نقش معنایی باشد و از طریق فاعل یا سازه‌ای دیگر در جمله قابل‌بازیابی باشد، در نشانه‌گذاری‌ها وارد می‌شود و برچسب «سازهٔ تهی ارجاعی DNI» می‌گیرد. در جملهٔ زیر، شناسهٔ فعلی در فعل سوم شخص مفرد «شنید» در زمان گذشته محذوف است، ولی از طریق واژهٔ «نصرت‌الدوله» قابل‌بازیابی است.

(۸) نصرت‌الدوله (گروه اسمی) **تجربه‌گر منفعل** فقط **شنید** (سازهٔ تهی ارجاعی DNI) **تجربه‌گر منفعل** که پدرش بر سر سالار لشکر فریاد زد «حیف از آن‌همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) **پدیده**. (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب حس فعال).

سازهٔ تهی نامشخص یا وجودی^۲: در این مورد، سازهٔ محذوف اغلب مفعول یک فعل متعددی مانند افعال «eat»، «sew»، «bake» و «drink» در زبان انگلیسی است که از جمله حذف شده است. برخلاف نمونه سازهٔ تهی مشخص یا ارجاعی، ماهیت سازهٔ محذوف در سازهٔ تهی نامشخص از رهیافت اصول تعبیر معنایی قابل درک است، اما نیازی نیست تا سازهٔ محذوف بازیابی شود. در برخی شواهد استخراج شده از پیکره‌های زبانی زبان فارسی، مفعول یا فاعل یک فعل از جمله حذف می‌شوند. در این صورت، این حذف از نوع سازهٔ

1. Definite/ Anaphoric Null Instantiation (DNI)
2. Indefinite/ Existential Null Instantiation (INI)

تهی نامشخص یا وجودی است و برچسب «سازه تهی غیرارجاعی INI» می‌گیرد. در جمله زیر مفعول جمله محذوف است:

۹) یک چنان آدم پرمشغله‌ای و این یاد و هوش، البته نمی‌توانست برای سید میران یا هر کس (گروه حرف اضافه‌ای) **تجربه‌گر منفعل** که (سازه تهی غیرارجاعی INI) **پدیده** می‌شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) **تجربه‌گر منفعل** باعث تعجب نباشد. (شوهر آهو خانم؛ علی محمد افغانی) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)

در مدخل‌های واژگانی، بخشی به نام الگوهای ظرفیتی^۱ وجود دارد و نمایانگر ترتیب اجزای قالب در یک جمله است. از این جهت که سازه‌های تهی در جمله حضور واژگانی ندارد، در این بخش وارد نمی‌شوند. در جدول زیر انواع برچسب‌های معنایی به هنگام نشانه‌گذاری وجود دارد.

جدول ۱: برچسب‌های معنایی

برچسب	مفهوم	قالب	مثال
گروه اسمی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	ادراک حسی	(۱۰) نصرت‌الدوله (گروه اسمی) تجربه‌گر منفعل فقط شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه‌گر منفعل که پدرش (شناسه متصل) تجربه‌گر منفعل ، بر سر سالار لشکر فریاد زد «حیف از آن همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) پدیده (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)
گروه فعلی	مفهوم دوم: مفاهیمی که به مطلع شدن از یک خبر مربوط می‌شود.	آگاهی	(۱۱) پادشاه (گروه اسمی) حسگر وقتی شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) حسگر دخترش عاشق کچل کفتر باز شده (گروه فعلی) حسگر عصبانی شد و داد زد اگر یک دفعه دیگر هم اسم این کثافت را بر زبان بیاری، از شهر بیرون می‌کنم (قصه‌های بهرنگ؛ بهرنگ) (مدخل شنیدن از قالب آگاهی)

ادامه جدول ۱.

مثال	قالب	مفهوم	برچسب
(۱۲) ولی (سازه تهی غیرارجاعی INI) تجربه‌گر منفعل (مجازاً حرف) درشت (گروه صفتی) پدیده می‌شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه‌گر منفعل (لولی سرمست؛ رسول پرویزی) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	ادراک حسی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	گروه صفتی
(۱۳) او (ضمیر) تجربه‌گر منفعل در مخفیگاه خود (گروه حرف‌اضافه‌ای) مکان بود که شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه‌گر منفعل فرمان‌فرما و نصرت‌الدوله و سالارلشکر را هم گرفته‌اند (گروه فعلی) پدیده . (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	اطاعت	مفهوم سوم: مفاهیمی که مربوط به اطاعت و پیروی است.	گروه حرف‌اضافه‌ای
(۱۴) شازده (گروه اسمی) تجربه‌گر منفعل فقط (گروه قیدی) درجه صدای چرخ‌ها را (گروه اسمی) پدیده شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه‌گر منفعل و صدای پای زن را (گروه اسمی). پدیده (شازده /احتجاج؛ هوشنگ گلشیری) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	ادراک حسی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	گروه قیدی
(۱۵) و این حدیث (گروه اسمی) پدیده است و (سازه تهی غیرارجاعی INI) تجربه‌گر منفعل (سازه تهی غیرارجاعی INI) پدیده از آقای حاج سید محمدرضای مجتهد (گروه حرف‌اضافه‌ای) رسانه دید به گوش (گروه اسمی) عضو بدن خودم در بوشهر شنیده‌ام (شناسه) تجربه‌گر منفعل (لولی سرمست؛ رسول پرویزی) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	ادراک حسی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	شناسه
(۱۶) او (ضمیر) تجربه‌گر منفعل حتی صدای کلفت فرمان‌فرما (گروه اسمی) پدیده را نشید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه‌گر منفعل که می‌گفت زحمت نکشید (گروه فعلی) پدیده . (این سه زن؛ مسعود بهنود) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	ادراک حسی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	ضمیر

ادامه جدول ۱.

مثال	قالب	مفهوم	برجسب
(۱۷) جز آقا هیچ کس (گروه حرف اضافه‌ای) قهرمان حرف او را (گروه اسمی) صوبل نشنید (سازه تهی ارجاعی DNI) قهرمان نشنید کنش (مرقد آقا؛ نیما یوشیج) (مدخل شنیدن از قالب اطاعت)	اطاعت	مفهوم سوم: مفاهیمی که مربوط به اطاعت و پیروی است.	سازه تهی ارجاعی DNI
(۱۸) حالا (سازه تهی ساختاری CNI) تجربه گر منفعل بشنو (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه گر منفعل (سازه تهی غیرارجاعی INI) پدیده از کوراوغلو (گروه حرف اضافه‌ای) رسانه دید (قصه‌های بهرنگ؛ بهرنگ) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	حس فعال	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	سازه تهی ساختاری CNI
(۱۹) نمی‌توانست برای سید میران یا هرکس (گروه حرف اضافه‌ای) تجربه گر منفعل که (سازه تهی غیرارجاعی INI) پدیده می شنید (سازه تهی ارجاعی DNI) تجربه گر منفعل باعث تعجب نباشد. (شوهر آهو خانم؛ علی محمد افغانی) (مدخل شنیدن از قالب ادراک حسی)	ادراک حسی	مفهوم اول: مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است.	سازه تهی غیرارجاعی INI

۳-۴. مدخل‌های واژگانی

در هر مدخل واژگانی، احتمالات ظرفیت‌های نحوی و معنایی آن واحد واژگانی نمایش داده می‌شود. شبکه فریم‌نت متأثر از نظریه ظرفیت و دستور وابسته^۱ (Tesnière, 1959)، به بررسی ظرفیت‌های معنایی افعال می‌پردازد. وی معتقد است که در چارچوب مذکور، تنها ظرفیت‌های نحوی مدنظر بوده است و او در پی رویکردی جامع‌تر برای تحلیل‌های خود بوده است. هر مدخل واژگانی از قسمت‌های زیر تشکیل شده است:

۱. اجزای قالب: این بخش متشکل است از چهار زیربخش: اجزای قالب، نوع عبارت واژه‌هایی که نمایانگر اجزای قالب هستند، بسامد و جملات شاهد.
۲. الگوهای ظرفیتی: این قسمت در دو ستون ارائه می‌شود: نخست، بسامد وقوع اجزای قالب در جملات شاهد و دوم، ترتیب قرار گرفتن این الگوهای ظرفیتی در جملات.

1. Dependency Grammar and Valence Theory

۳. جملات شاهد: در این بخش جملاتی که از پیکره‌ها استخراج شده‌اند و براساس قالب‌های معنایی نشانه‌گذاری شده‌اند نمایش داده می‌شود. واژه هدف با رنگ قرمز نشان‌دار می‌شود. در قسمت زیر یک نمونه مدخل واژگانی «شنیدن» در قالب «آگاهی» ارائه می‌شود:

(۱) اجزای قالب:

اجزای قالب	نوع عبارت	بسامد کلی	واژه‌های شاهد
حسگر	(۱) سازه تهي غيرارجاعي (INI) (۲) (۲) سازه تهي ارجاعي (DNI) (۵) (۳) گروه اسمي (۳) (۴) شناسه متصل (۱) (۵) ضمير (۱)	(۱۲)	(۱) ... (۲) شنيد، مي شنيد ... (۳) نصرت‌الدوله، سردار معظم ... (۴) پدرش (۵) او
بیانگر	(۱) گروه اسمي (۱)	(۱)	(۱) گوش
محتوا	(۱) گروه اسمي (۴) (۲) گروه فعلی (۴)	(۸)	(۱) خبر حرکت قزاق‌ها، پاسخ ... (۲) حیف از آن‌همه درس که شما خواندید ...
درجه	-	(۰)	-
شاهد	(۱) گروه حرف‌اضافه‌ای (۲)	(۲)	(۱) از مدرس، از رضاشاه
توضیح	-	(۰)	-
روشن	-	(۰)	-
الگو	-	(۰)	-
نقش	-	(۰)	-
زمان	(۱) گروه اسمي (۲)	(۲)	(۱) دومين روز اسفند، روز اول اسفند

(۲) الگوهای ظرفیتی:

بسامد	الگو
(۱)	زمان + محتوا
(۱)	حسگر + حسگر + محتوا
(۱)	حسگر + زمان + شاهد + محتوا
(۲)	حسگر + محتوا
(۱)	محتوا + شاهد + محتوا

(۳) جملات شاهد:

(سازه تھی غیرارجاعی INI) **حسگر** دومین روز اسفند (گروه اسمی) **زمان** خبر حرکت قزاق‌ها (گروه اسمی) **محتوا** را **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

نصرت‌الدوله (گروه اسمی) **حسگر** فقط **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** که پدرش (شناسه متصل) **حسگر**، بر سر سالار لشکر فریاد زد «حیف از آن همه درس که شما خواندید (گروه فعلی) **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

سردار معظم (گروه اسمی) **حسگر** روز اول اسفند (گروه اسمی) **زمان** از مدرس (گروه حرف اضافه‌ای) **شاهد** **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** که می‌گفت «کسی به این بچه شازده اعتمادی ندارد، حتی اربابش (گروه فعلی) **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

او (ضمیر) **حسگر** در مخفیگاه خود بود که **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** (Cognizer) فرمان‌فرما و نصرت‌الدوله و سالارلشکر را هم گرفته‌اند (گروه فعلی) **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

مستوفی طبق معمول میانجیگری کرد و (سازه تھی غیرارجاعی INI) **حسگر** پاسخ همیشگی را (گروه اسمی) **محتوا** از رضاشاه (گروه حرف اضافه‌ای) **شاهد** **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** به آقا بفرمائید نمی‌کشمش (گروه فعلی) **محتوا** (این سه زن؛ مسعود بهنود)

دیکتاتوری (گروه اسمی) **حسگر** بوی پول (گروه اسمی) **محتوا** **شنید** (سازه تھی ارجاعی DNI) **حسگر** پس در اروپا خبری است. (این سه زن؛ مسعود بهنود)

۴-۴. سلسله مراتب قالب‌ها

ارتباط مفاهیم مختلف فعل «شنیدن»، در این شبکه، از رهیافت ارتباط میان قالب‌ها نمایان می‌شود. شبکه فریم‌نت به ۹ رابطه مختلف «توارث»، «کاربرد»، «منظر»، «قالب فرعی»، «تقدم»، «آغازی»، «سببی»، «استعاره» و «بیشتر» میان قالب‌های معنایی قائل است. براساس

تحلیل‌های انجام شده، میان هفت قالب «حس فعال»، «ادراک حسی»، «جستجو»، «آگاهی»، «فهمیدن»، «اطاعت» و «توجه»، سه رابطه میان‌قالبی «توارث» میان قالب والد «ادراک» و فرزند «حس فعال»، قالب والد «ادراک» و فرزند «ادراک حسی» و قالب والد «آگاهی» و فرزند «فهمیدن» وجود دارد، یک رابطه میان‌قالبی «کاربرد» میان قالب والد «توجه» و فرزند «حس فعال» موجود است و یک رابطه میان‌قالبی «بیشتر» میان قالب‌های «حس فعال» و «ادراک حسی» برقرار است. جدول زیر نمایانگر رابطه‌های موجود میان قالب‌ها در شبکه فریم‌نت است:

جدول ۲: رابطه میان قالب‌ها

رابطه	رابطه کلی	رابطه فرعی
توارث	قالب ادراک (والد)	قالب حس فعال، قالب ادراک حسی (فرزند)
توارث	قالب آگاهی (والد)	قالب فهمیدن (فرزند)
کاربرد	قالب توجه (والد)	فرزند (قالب حس فعال)
بیشتر	قالب حس فعال (مدخل اصلی)	قالب ادراک حسی (مدخل ارجاعی)

۴-۵. تبیین شناختی

در این بخش، قالب‌های موجود در هر اثر بررسی می‌شود. با توجه به بخش ۴، پنج مفهوم در افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی استخراج شد. در این بخش، قالب‌های موجود در هر اثر بررسی می‌شود. در کتاب *لولی سرمست*، ۳ نمونه معنای اول، یعنی دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده، از طریق قالب «ادراک حسی» با کلیدواژه‌های «شنیدن» و «گوش دادن» وجود دارد و از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۴ بار مفهوم اول، یعنی دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده، از طریق قالب «حس فعال» یافت می‌شود؛ ۲ بار مفهوم سوم، یعنی اطاعت و پیروی، از طریق قالب «اطاعت» به چشم می‌خورد و ۲ بار مفهوم پنجم، یعنی توجه کردن، از طریق قالب «توجه» مشاهده شده است.

در کتاب *شوهر آهو خانم*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۱ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» و ۸ بار دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» وجود دارد. از طریق کلیدواژه

«گوش کردن»، ۸ نمونه مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» و ۱ نمونه معنای اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» مشاهده شد.

در کتاب *الجزایر و مردان مجاهد*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۲ بار دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» و با کلیدواژه «گوش دادن»، ۱ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» مشاهده شد. در کتاب *شازده احتجاب*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۱۳ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی»، ۱ بار مفهوم حس بویایی با قالب «ادراک حسی»، ۲ بار مفهوم دوم، یعنی فهمیدن و دریافتن موضوعی، با قالب‌های «آگاهی»، «جستجو» و «فهمیدن» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۱ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» و ۱ نمونه معنای اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» مشاهده شد.

در کتاب *قصه‌های بهرنگ*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۱۷ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی»، ۲ بار مفهوم دوم یعنی فهمیدن و دریافتن موضوعی با قالب‌های «آگاهی»، «جستجو» و «فهمیدن» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۱۲ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال»، ۴ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی»، ۴ بار مفهوم اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» و ۵ بار مفهوم توجه کردن از طریق قالب «توجه» مشاهده شد.

در کتاب *مرقد آقا*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۲ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» و ۱ بار مفهوم اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۴ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال»، ۳ بار مفهوم اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» و ۲ بار مفهوم توجه کردن از طریق قالب «توجه» مشاهده شد.

در کتاب *این سه زن*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۲۱ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» دیده شد، ۱ بار مفهوم حس بویایی با قالب «ادراک حسی» یافت شد و ۸ بار مفهوم دوم، یعنی «فهمیدن و دریافتن موضوعی»، با قالب‌های «آگاهی»، «جستجو» و «فهمیدن» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»،

۷ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال»، ۳ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی»، ۳ بار مفهوم اطاعت و پیروی از طریق قالب «اطاعت» و ۵ بار مفهوم توجه کردن از طریق قالب «توجه» مشاهده شد.

در کتاب *سگ و زمستان بلند*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۳ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۷ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» و ۵ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» مشاهده شد.

در کتاب *غریبه‌ها و پسرک بومی*، با کلیدواژه «شنیدن»، ۵ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» مشاهده شد. از طریق کلیدواژه «گوش کردن»، ۶ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه شنونده از طریق قالب «حس فعال» و ۱ بار مفهوم دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده از طریق قالب «ادراک حسی» مشاهده شد.

به این ترتیب، بیشترین تعداد قالب‌ها در آثار مذکور با کلیدواژه «شنیدن»، ۸۹ مورد قالب «ادراک حسی» و با کلیدواژه «گوش دادن»، ۵۴ مورد قالب «حس فعال» است. کمترین تعداد قالب‌ها، با کلیدواژه «شنیدن»، مربوط به دو قالب «توجه» و «حس فعال» و سپس قالب «اطاعت» است. در آثار مدنظر، با کلیدواژه «گوش دادن»، هیچ نمونه‌ای از سه قالب «جستجو»، «آگاهی» و «فهمیدن» که همه معنای دوم یعنی «فهمیدن» و دریافتن موضوعی را در ذهن تداعی می‌کنند، مشاهده نشد.

بر اساس تعداد قالب‌های موجود در آثار، می‌توان تبیینی شناختی از اطلاعات بررسی شده مبنی بر مفهوم پیش‌نمونه میان پنج مفهوم افعال «شنیدن» و «گوش دادن» ارائه کرد. تبدیل معنای واحد به خوشه‌های چندمعنایی مرحله دومی از نظریه پیش‌نمونه‌نگی است و تحت عنوان مقولات شعاعی (Brugman & Lakoff, 1988) ارائه شده است. در این نظریه، یک معنای مرکزی و تعدادی معنای غیرمرکزی، در یک شبکه شعاعی تعریف می‌شوند.

با کلیدواژه «شنیدن»، قالب «ادراک حسی» با بسامد ۳ بار در کتاب *لولی سرمست*، ۸ بار در کتاب *شوهر آهو خانم*، ۲ بار در کتاب *الجزایر و مردان مهاجر*، ۱۴ بار در کتاب

شازده احتجاب، ۱۷ بار در کتاب قصه‌های بهرنگ، ۲ بار در کتاب مرقد آقا، ۲۲ بار در کتاب این سه زن، ۳ بار در کتاب سگ و زمستان بلند و ۵ بار در کتاب غریبه‌ها و پسرک بومی، مفهوم مرکزی محسوب می‌شود.

با کلیدواژه «گوش دادن»، قالب «حس فعال» با بسامد ۴ بار در کتاب لولی سرمست، ۸ بار در کتاب شوهر آهو خانم، ۱ بار در کتاب الجزایر و مردان مهاجر، ۱ بار در کتاب شازده احتجاب، ۱۲ بار در کتاب قصه‌های بهرنگ، ۴ بار در کتاب مرقد آقا، ۷ بار در کتاب این سه زن، ۷ بار در کتاب سگ و زمستان بلند و ۶ بار در کتاب غریبه‌ها و پسرک بومی، مفهوم مرکزی محسوب می‌شود.

هر دو قالب «حس فعال» و «ادراک حسی» مربوط به مفهوم اول هستند؛ یعنی «دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه و بدون توجه شنونده». همان‌طور که در شکل زیر نمایش داده شده است، با دو کلیدواژه «شنیدن» و «گوش دادن» از میان پنج مفهوم «دریافت مستقیم صدا به گوش»، «فهمیدن»، «اطاعت»، «حس بویایی» و «توجه کردن»، مفهوم «دریافت مستقیم صدا به گوش»، مفهوم مرکزی و چهار مفهوم دیگر مفاهیم غیرمرکزی هستند.

شکل ۱: مقولات شعاعی افعال «شنیدن» و «گوش دادن»



۶-۴. تحلیل آماری داده‌ها

تحلیل آماری محتوا برای نمایش کمی تحلیل‌های زبانی انجام شده است و از رهیافت این نوع تحلیل کمی، می‌توان به نتایج قابل توجهی مانند غنای واژگانی^۱ دست یافت. غنای

1. lexical diversity

واژگانی، معیاری برای سنجش تعداد واژه‌های مختلفی است که در یک متن وجود دارد. غنای واژگانی می‌تواند نشان دهد که یک متن تا چه میزان پیچیدگی متنی دارد؛ به عبارتی دیگر، اگر در یک متن، از واژه‌های تکراری زیاد استفاده شده باشد، غنای واژگانی این متن پایین است و اگر در متنی، از واژه‌های متنوعی برای بیان همان مفاهیم استفاده شود، از غنای واژگانی بالایی برخوردار است. غنای واژگانی از طریق تقسیم تعداد تایپ‌های استخراج شده بر تعداد کل تایپ‌های اثر به دست می‌آید. عدد حاصل رقمی بین صفر و یک خواهد بود؛ حال هرچه به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، متن مزبور از غنای واژگانی بالاتری برخوردار است، واژه‌های بیشتری در این متن به کار رفته و تبحر نویسنده در استفاده از واژگان بالا بوده است. هرچه این رقم به صفر نزدیک‌تر باشد، متن موردنظر از غنای واژگانی کمتری برخوردار است؛ یعنی ممکن است متن دارای ابهام واژگانی باشد و یک واژه در متن بیش از یک معنا داشته باشد. با توجه به جدول زیر، آثار این سه زن، شازده احتجاب، قصه‌های بهرنگ، مرقه آقا، غریبه‌ها و پسرک بومی از غنای واژگانی پایینی برخوردار هستند و غنای واژگانی در آثار شوهر آهو خانم، الجزایر و مردان مهاجر و سگ و زمستان بلند، بالاست.

جدول ۳: اطلاعات آماری واژه‌های هدف

عنوان	تعداد توکن‌ها	تعداد تایپ‌های مستخرج	تعداد تایپ‌های اثر	غنای واژگانی	بن‌واژه‌ها
لولی سرمست	۶	۶	۴۴۳۶	۰/۰۰۱	۵
شوهر آهو خانم	۲۰	۹	۱۱۹۰۵	۷/۵۶۰	۵
الجزایر و مردان مجاهد	۳	۳	۷۰۹۹	۴/۲۲۵	۲
شازده احتجاب	۱۵	۴	۳۷۶۵	۰/۰۰۱	۳
قصه‌های بهرنگ	۳۶	۱۵	۶۷۶۴	۰/۰۰۲	۶
مرقه آقا	۶	۶	۲۹۲۱	۰/۰۰۲	۲
این سه زن	۳۲	۱۳	۸۳۲۴	۰/۰۰۱	۷
سگ و زمستان بلند	۱۵	۱۰	۵۴۴۰	۳/۱۱۵	۳
غریبه‌ها و پسرک بومی	۱۲	۱۰	۷۱۹۴	۰/۰۰۱	۳

۵. بحث و نتیجه گیری

سؤال مطرح شده در مقاله حاضر این بود که چگونه می توان افعال «شنیدن» و «گوش دادن» را در زبان فارسی، براساس اصول شبکه معنایی فریم نت تحلیل کرد. براساس تحلیل های انجام شده، مشخص شد که دو کلیدواژه چندمعنای «شنیدن» و «گوش دادن» پنج مفهوم را در بر می گیرند:

۱. مفاهیمی که به دریافت مستقیم صدا به گوش مربوط است؛

۲. مفاهیمی که به مطلع شدن از یک خبر مربوط می شود؛

۳. مفاهیمی که مربوط به اطاعت و پیروی است؛

۴. مفاهیمی که مرتبط به حس بویایی است؛




۵. مفاهیمی که به معنای فهمیدن است.

این مفاهیم از طریق هفت قالب «حس فعال»، «ادراک حسی»، «آگاهی»، «جستجو»، «فهمیدن»، «اطاعت» و «توجه» در ذهن تداعی می شوند. مفهوم اول «دریافت مستقیم صدا به گوش با توجه کامل شنونده» قالب «حس فعال»، مفهوم «دریافت مستقیم صدا به گوش بدون توجه شنونده» قالب «ادراک حسی»، مفهوم «فهمیدن» قالب «آگاهی»، «جستجو» و «فهمیدن»، مفهوم «اطاعت و پیروی» قالب «اطاعت»، مفهوم «حس بویایی» قالب «ادراک حسی» و مفهوم «توجه کردن» قالب «توجه» را به ذهن متبادر می کند. پس از آن، مشخص شد میان قالب های «حس فعال» و «ادراک حسی» و میان قالب های «آگاهی» و «فهمیدن» رابطه میان قالبی «توارث» و میان قالب های «توجه» و «حس فعال» رابطه میان قالبی «کاربرد» و میان قالب های «حس فعال» و «ادراک حسی» رابطه میان قالبی «بیشتر» برقرار است؛ بنابراین، نتایج بررسی داده ها نشان داد که اصول به کار گرفته شده در شبکه فریم نت، در تحلیل معنایی واژه های فارسی، از جمله افعال «شنیدن» و «گوش دادن» نیز کارآمد است و می توان به تمام ابعاد معنایی آنها دست یافت. در انتها نیز تبیینی شناختی از قالب های شکل گرفته در این حوزه های مفهومی ارائه شد و مشخص شد که مفهوم «دریافت مستقیم صدا به گوش» مفهوم مرکزی و چهار مفهوم دیگر مفاهیم غیر مرکزی هستند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Fateme Nayebalui		https://orcid.org/0000-0003-3991-8516
Mostafa Assi		https://orcid.org/0000-0003-3799-1103
Azita Afrashi		https://orcid.org/0000-0001-9990-6256
Masood Ghayoomi		https://orcid.org/0000-0001-6685-1332

منابع

- اجدادی، مژگان و رضوی، محمدرضا. (۱۳۹۷). بررسی قالب‌های معنایی اندام‌واژه‌های بیرونی زبان فارسی. *زبان پژوهی*، ۲۹، ۲۷-۴۴.
- حاجی‌قاسمی، فرزانه و شاملی، نصرالله. (۱۳۹۵). شبکه‌ی شعاعی معنای «دیدن» در خطبه‌های نهج‌البلاغه بر پایه‌ی معناشناسی شناختی قالبی (بررسی موردی فعل رأی باتکیه بر ترجمه‌های دشتی، جعفری و شهیدی). *پژوهشنامه‌ی نهج‌البلاغه*، ۱۰۱-۱۲۴.
- دلارامی‌فر، منصوره، یوسفیان، پاکزاد، اله‌بخش، محمد و آهنگر، عباسعلی. (۱۳۹۶). روابط معنایی فعل «گرفتن» در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور. *پژوهش‌های زبانی*، ۸(۱)، ۷۹-۹۸.
- رحمتی‌نژاد، لیل، عاصی، سید مصطفی، قلی‌فامیان، علیرضا و قیومی. مسعود. (۱۳۹۸). تحلیل معنایی فعل «گرفتن» در چارچوب نظریه معناشناسی قالبی: یک بررسی پیکره‌بنیاد. *جستارهای زبانی*، ۴، ۵۵-۸۹.
- صفری، علی. (۱۳۹۲). معناشناسی زمینه و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی. *دوماهنامه‌ی جستارهای زبانی*، ۱۵۳-۱۷۲.
- عاصی، سید مصطفی. (۱۳۸۴). *پایگاه دادگان زبان فارسی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عاصی، سید مصطفی. (۱۳۹۸). *فرهنگ زبان آموز پیشرفته فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- فراروی، جمشید. (۱۳۷۸). *فرهنگ طیفی فراروی*. تهران: نشر هرمس.
- موسوی، سید حمزه، عموزاده، محمد و رضایی، والی. (۱۳۹۴). بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی. *جستارهای زبانی*، ۷، ۲۱۹-۲۳۶.
- موسوی، سید حمزه. (۱۳۹۶ الف). راه‌اندازی شبکه‌ی هم‌نت: شبکه‌ای برای تبیین باهمایی واژگانی. *جستارهای زبانی*، ۱۹۷-۲۲۳.
- موسوی، سید حمزه. (۱۳۹۶ ب). بررسی چندمعنایی فعل‌های «دیدن» و «شنیدن» براساس معناشناسی قالبی. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان*. تهران.

- موسوی، سید حمزه. (۱۳۹۶پ). بررسی هم‌معنایی واژه‌های زبان انگلیسی در قالب «giving» و مشکلاتی که در یادگیری پدید می‌آورد. دومین همایش ملی زبان و ادبیات. تهران.
- موسوی، سید حمزه و ذبیحی، رضا. (۱۳۹۸). بررسی قالب «سرقه» در زبان فارسی براساس معناشناسی قالبی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۹(۱۷)، ۱۰۱-۱۲۶.
- موسوی، سید حمزه و عموزاده، محمد. (۱۳۹۸). بررسی انگیزه باهم‌آیی واژگانی بر پایه معناشناسی قالبی: نمونه موردی «دست». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱۱(۱)، ۱۹۳-۲۲۵.
- نایب‌لوئی، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی واژه‌های عواطف در حوزه‌های شادی و علاقه در چارچوب نظری قالب‌های معنایی: شبکه قالب بنیاد (فریم‌نت) در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نایب‌لوئی، فاطمه، عاصی، سیدمصطفی و افراشی، آزیتا. (۱۳۹۴). شبکه معنایی قالب بنیاد (فریم‌نت) در زبان فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۹، ۲۶۱-۲۸۲.

References

- Baker, C. F., Fillmore, C. J., & Lowe, J., B. (1998). The Berkeley FrameNet Project. *Proceedings of the Conference, held at the University of Montreal*, 86-90, Association for Computational Linguistics, Montreal.
- BOAS, H. C. (2002). Bilingual FrameNet Dictionaries for Machine Translation. *Proceedings of the Third International Conference on Language Resources and Evaluation*, ed. by M. González Rodríguez and C. Paz Suárez Araujo, 1364- 1371. Spain.
- Borin, L., Dannélls, D., Forsberg, M., Gronostaj, M. T., & Kokkinakis, D. (2010). The past meets the present in Swedish FrameNet++". *14th EURALEX International Congress*, 269-281.
- Brugman, C., & Lakoff, G. (1988). Cognitive Topology and Lexical Networks. In S. L. Small, G. W. Cottrell, & G. Adriaens (Eds.), *Lexical Ambiguity Resolution: Perspectives from Psycholinguistics, Neuropsychology, and Artificial Intelligence*, 477-508. San Mateo, CA: Morgan Kaufmann.
- Fillmore, C. J. (1968). The case for case. In E. Bach and R. Harms, editors, *Universals in Linguistic Theory*. Holt, Rinehart & Winston, New York.
- Fillmore, C. J. (1982). Frame Semantics. *Linguistics in the Morning Calm*. Seoul: Hanshin Publishing Co, 111-137.
- Fillmore, C. J., Baker, C. F., & Sato, H. (2002). The FrameNet Database and Software Tools. In M. González-Rodríguez and C. P. Suárez-Araujo, Eds. *Proceedings of the Third International Conference on Language Resources and Evaluation*. Las Palmas, Spain.

- Ghayoomi, M. (2009). *Frame Assignment with Active Learning*. M.S. Thesis. Department of Computational Linguistics and Phonetics. Saarland University.
- Johnson, C. R., Fillmore, C. J., Petruck, M. R. L., Baker, C. F., Ellsworth, M., Ruppenhofer, J., & Wood, E. J. (2002). *FrameNet: Theory and Practice*. International Computer Science Institute, Technical Report. Berkeley, CA. the paper 'Semi-automatic Korean FrameNet Annotation over KAIST Treebank' is accepted at LREC 2018.
- Ohara, K. H., Fuji, S., Ohori, T., Suzuki, R., Saito, H., & Ishizaki, S. (2004), The Japanese FrameNet Project: An introduction. *Proceedings of the Satellite Workshop "Building Lexical Resources from Semantically Annotated Corpora"*, 9-11. Lisbon, Portugal.
- Rahmati Nejad, L., & Safari, A. (2017). Frame Semantics: Applying FrameNet Principles to "Touring" and "Travel" Semantic Frames in Persian. *Biannual Journal of Applications of Language Studies (JALS)*, 1(1), 59-76.
- Ruppenhofer, J., Ellsworth, M., Petruck, M. R. L., Johnson, C. R., & Scheffczyk, J. (2006). *FrameNet II: Extended Theory and Practice*. International Computer Science Institute, Berkeley, California. Distributed with the FrameNet data.
- Ruppenhofer, J., Sunde, J., & Pinkal, M. (2010). Generating FrameNets of Various Granularities: The FrameNet Transformer. *Proceedings of the International Conference on Language Resources and Evaluation, LREC, Valletta, Malta*.
- Ruppenhofer, J., Sunde, J., & Pinkal, M. (2016). Generating FrameNets of Various Granularities: The FrameNet Transformer. Institut für Deutsche Sprache, Bibliothek, 2016 resources. In Oltramari, A., editor, *Proceedings of ONTOLEX 2006*, Genoa. LREC.
- Salomão, M. (2009). FrameNet Brasil: um trabalho em progresso. *Calidoscópico*, 7(3), 171-182.
- Schmidt, T. (2009). The Kicktionary a Multilingual Lexical Resources of Football Language. *Multilingual FrameNets in Computational Lexicography: Methods and Applications*, ed. by H. C. Boas, 101-134. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Subirats, C., & Petruck, M. (2003). Surprise: Spanish FrameNet. *International Congress of Linguists. Workshop on Frame Semantics, Prague (Czech Republic)*.
- Tesnière, L. (1959). *Éléments de syntaxe structurale*. Paris: Klincksieck.

[You, L., Liu, T., & Liu, K. \(2007\). Chinese FrameNet Data in Semantic Web Language. *Computer Science*.](#)

Ajdadi, M. & Razavi, M. (2019). The Study of Semantic Frames of External Body Part Terms in Persian Language. *Journal of Zabanpazhuhi*, (10)29, 27-44. [In Persian].

Assi, S. M. (2006). *Persian Linguistic Database (PLDB)*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].

Assi, S. M. (2020). *Advanced Learner's Persian Dictionary*. Samt Press. [In Persian].

Delaramifar, M., Yousefian, P., Allahbakhsh, M., & Ahangar, A. (2017). Semantics Relations of Persian Verb "gereftan": Fillmore's Frame Semantic (1997). *Language Research*, (8)1, 79-98. [In Persian].

Fararoyy, J. (2008). *Thesaurus of Persian Words and Phrases*. Ibex Publishers Inc. [In Persian].

HajiGhasemi, F. & Shameli, N. (2017). Radial Category of Meanings for the verb "DIDAN" in Nahj al-Balaghah Based on Frame Semantics. *Research Journal of Nahj al-Balaghah*, 101-124. [In Persian].

Mousavi, S. H., Amoozade, M., & Rezai, V. (2016). An Analysis of the Word "Didan" (See) Based on Frame Semantics (Written in Persian). *Language Related Research*, 7, 219-236. [In Persian].

Mousavi, S. H. (2014). ColloNet: A network for Analyzing Collocations. *Language Related Research*, 197-223. [In Persian].

Mousavi, S. H. (2017). Investigating the polysemy of 'didan' and 'shenidan' based on frame semantics. *Fifth International Conference on Applied Research in Language Studies*. [In Persian].

Mousavi, S. H. (2017). Studying synonymy of words within the 'Giving' frame and the problems synonymy may cause in EFL classrooms. *The National Conference on Language and Literature*. [In Persian].

Mousavi, S. H., & Zabihi, R. (2019). Theft frame in Persian. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 9(17), 101-126. [In Persian].

Mousavi, S. H. & Amoozadeh, M. (2020). An Investigation of Motivations behind Collocations based on Frame Semantics: The Case Study of 'dast'. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 11 (1), 193-225. [In Persian].

Nayebului, F. (2014). *A Study of "Happy" & "Joy" Semantic Domains in Frame Semantic Theory: Persian FrameNet*. M.A. Dissertation. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].

Nayebului, F., Assi, S. M., & Afrashi, A. (2015). Persian FrameNet. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 5(9), 257-282. [In Persian].

- Rahmati Nejad, L., Assi Mostafa, Gholi Famian A., & Ghayoomi, M. (2019). Semantic Analysis of The Verb “Goftan” (To Tell) Based On Frame Semantics Theory: A Corpus Based Study. *Language Related Research*, 10(4), 55-89. [In Persian].
- Safari, A. (2015). Frame Semantics and Lvc Alternation In Persian. *Language Related Research*, 6(22), 153-172. [In Persian].



استناد به این مقاله: نایب‌لوئی، فاطمه، عاصی، سید مصطفی، افراشی، آزیتا، قیومی، مسعود. (۱۴۰۰). بررسی حوزه مفهومی فعل «شنیدن» در زبان فارسی در چارچوب نظریه معاشناسی قالب و اتخاذ اصول شبکه فریم‌نت. *علم زبان*، ۸(۱۴)،

Doi: 10.22054/lr.2021.57628.1424. ۲۲۳-۱۹۵



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.